

ادامه مطلب

ائتلاف اصلاح طلبان...

از صفحه ۲۵

در رأی گیری ریاست جمهوری ۱۳۸۴ شرکت کردند، ولی نتیجه ای نگرفتند.

در این فاصله «حزب» جدیدی بر طیف آنان اضافه شد (حزب اعتماد ملی). مثلث رهبری رفسنجانی/کروبی/خاتمی را ایجاد کردند و به دنبال آن رفتند. تحلیلگران نظریه ها دادند و راهکارها پیشنهاد کردند. حکومت امام زمانی احمدی نژاد را نعمتی پنهان دانستند و به انتظار خرابکاری های آن نشستند با این امید که سود سیاسی آن را خود ببرند. و اندیشیدند که با هزینه سنگینی که این حکومت در زمینه سیاست (داخلی و خارجی) و اقتصاد و حقوق بشر بر مردم تحمیل خواهد کرد در مرحله رأی گیری مجلس هشتم فرصتی طلایی خواهند یافت که باز به صحنه بیایند و آرای مردم را به خود جلب کنند. و راستی چه کسی می توانست همانند احمدی نژاد به اصلاح طلبان خدمت کند و مردم را چنان به تنگ آورد که باز شانس برای اصلاح طلبان پیدا شود؟ اکنون این فرصت طلایی رسیده است و اصلاح طلبان به تکاپو افتاده اند. «ائتلاف بزرگ» خود را تشکیل داده اند و با تمام قوا به میدان آمده اند تا به هر نحو ممکن باز به قدرت راه بیابند. مشکل اول را البته در گذر از خان مخوف شورای نگهبان می بینند، و چاره آن را در این دیده اند که هر تعداد بیشتری را که می توانند ثبت نام کنند تا مگر از میان آنان برخی از این صافی تنگ و باریک بگذرند. از همه مخاطبان چه خواسته اند که «همراه شو، عزیز، کاین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود» (۱) و هر کس را که در جناح خود می بینند به ثبت نام تشویق می کنند. از این که برخی از «بزرگان» از ثبت نام ابا می کنند و یا در آن تعلل می ورزند گله مندند، و نگران آن هستند که مهلت نسبتاً کوتاه ثبت نام به پایان برسد و آنان نتوانسته باشند افراد پر آوازه خود را به ثبت نام وادارند.

ولی چگونه است که این تلاش ها هیچانی نمی آفریند و اثری در شکستن یخ فضای انتخاباتی کشور نداشته است؟ پاسخ را می توان از خود «ائتلاف بزرگ» گرفت. اصلاح طلبان متشکل در این ائتلاف حتماً در بررسی شکست های پیشین خود به این مسئله پرداخته اند که دلایل پشت کردن مردم به آنان چه بوده است. چرا تحصن چند هفته ای آنان در پایان دوره ششم مجلس اسلامی کمترین حمایتی در بین مردم

کوچه و بازار نیافت، و چرا آن تعداد از نامزدهایشان که از صافی شورای نگهبان گذشتند در رأی گیری های مجلس هفتم و شوراها شهری دوم در تهران رأی چندانی به دست نیاوردند؟ اگر شورای نگهبان برخی از نامزدهای آنان را رد کرد، این امر باید کمی بر محبوبیت آنان می افزود و رأی آنان را که از صافی نظارت استصوابی گذشته بودند بالا می برد. ولی نتیجه به عکس بود، و علاوه بر شورای نگهبان، رأی دهندگان نیز چندان روی خوشی به اصلاح طلبان نشان ندادند و عدم اعتماد خود را با کاهش رأی خویش به نمایش گذاشتند. اصلاح طلبان برای جذب مجدد مردم به خود می بایست چاره ای بیندیشند.

از این رو، ائتلاف اصلاح طلبان لازم دیده است که برنامه ای برای مجلس هشتم اسلامی تدارک ببیند و آن را هم زمان با آغاز ثبت نام نامزدهای انتخاباتی و فعالیت تبلیغاتی خود منتشر کند. (۲) در این برنامه که در ۸ صفحه تنظیم شده است دهها بند در مورد راهبردها و برنامه های «عملی» ائتلاف در زمینه های مختلف از سیاست داخلی و خارجی تا مسایل اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، امنیتی، دفاعی، قضایی، اداری و مدیریتی آمده است. در واقع کمتر مقوله ای در مسایل کلان جامعه است که از دید نویسندگان این سند مغول به دور مانده باشد. ولی هنر نویسندگان این سند نه در شمول مقولاتی است که به آن پرداخته اند و بلکه در کلی گویی های مکرر و فرار از پرداختن به مسایل مشخص مردم است و این که چه برنامه واقعاً عملی برای حل این مشکلات پیشنهاد می کنند و یا در نظر دارند. علاوه بر این، سند مخصوصاً اصرار داشته است که بر وفاداری خود به جمهوری اسلامی و مبانی آن و حتی اصول ضد دموکراتیک و ضد حقوق بشری آن تأکید کند تا کمترین شائبه ای در ذهن خواننده سند در این مورد باقی نماند.

برای نویسندگان این سند کافی نبوده است که تأکید کنند «حرکت مستمر اصلاحی» آنان در «درون نظام جمهوری اسلامی» ضرورت پیدا میکند، و بلکه لازم دیده اند خود را «جریان اصیل اسلامی و انقلابی معتقد به آموزه های الهی و سیاسی امام خمینی» معرفی کنند. در برنامه های عملی این سند نیز شاهکارهایی به چشم می خورد، از جمله: «تصویب قانون جهت دفاع از حقوق... پیروان ادیان رسمی کشور در راستای تحقق اهداف پیش بینی شده در قانون اساسی»، و به

عبارت ساده تر، ادامه و «قانونمند» کردن تبعیض علیه اقلیت های مذهبی و سرکوب بهائیان، بی دینان و پیروان نخله ها و ادیان غیررسمی دیگر. در مورد زنان نیز از «استیفای کامل حقوق آنان» نام برده شده است بدون این که تعیین و مشخص شود که این «حقوق» چیست و آیا چیزی جز آن است که در قوانین جاری برای زنان تعیین شده است؟ علاوه بر این، سند دهها بار از «بازبینی» و «اصلاح» و «تصویب» قوانین سخن می گوید بدون این که حتی در یک جا مشخص کند که مضمون این قوانین چه خواهد بود و چه تغییر محسوس نسبت به قوانین موجود خواهد داشت. سند ملول از واژه ها و عباراتی کلی و گنگ و در عین حال دهان پرکن است تا به خواننده چنین بنمایاند که «ائتلاف اصلاح طلبان» برای خود برنامه ای دارند. ولی سند نه در باره آن چه که می گوید راه حل عملی و مشخصی را پیش می کشد و نه به مشکلات و مسائل روزمره مردم ایران می پردازد. سند نمی گوید که در مورد نابسامانی ها و گرفتاری های امروز مردم چه برنامه و راه حلی ارائه می دهد. در این سند ۲۸۰۰ کلمه ای حتی یک بار عبارت «حقوق بشر» نیامده است.

از وضع اسفبار معیشت و مسکن مردم یا بلیه های اجتماعی مانند اعتیاد و ایدز در آن سخنی نرفته است. (از تک رقمی کردن تورم یاد شده، ولی گفته نشده است که چگونه و با چه مکانیزمی می خواهند آن را محقق کنند!) سند نمی گوید که نظرش درباره گسترش موج اعدام ها، کاربرد سنگسار، بریدن دست و پا و اعمال سایر خشونت های وحشتناکی که این روزها فراوان به نام قانون صورت می گیرد چیست. در مجموع، سند انتخاباتی ائتلاف اصلاح طلبان طوری نوشته شده است که هیچ تعهدی به لحاظ سیاسی یا اخلاقی به دنبال نیاورد. محتوای آن چنان است که اگر نام «ائتلاف اصلاح طلبان» را از سر آن برداریم و به جای آن «ائتلاف اصولگرایان» را بگذاریم برای خواننده شکفتی ای به بار نخواهد آورد. یعنی که سند چنان به جمهوری اسلامی و قانون اساسی و ارگان های آن وفادار است، و برنامه ها چنان کلی و گنگ و نامشخص بیان شده است که هر جناح درون این رژیم می تواند آن را متعلق به خود بداند و آن را به عنوان برنامه انتخاباتی خود عرضه کند. و به همین دلیل، مخاطب این سند اگر مردم ایرانند به سختی خواهند توانست انگیزه ای برای این که کمترین اعتنایی به محتوای آن نشان دهند در خود پیدا کنند. سند نشان می دهد که اصلاح طلبان پس از سه چهار سال کناره گیری از قدرت، کوچکترین درسی از شکست های خود نگرفته اند.

ده سال پیش که جنبش اصلاح طلبی پا گرفت، آقای خاتمی و هواداران او با شعارهای جدیدی مانند حقوق بشر، جامعه مدنی

نهایی آنان را تعیین کند. به عبارت دیگر، روندی که با شرایط وسیعاً محدود کننده نامزدهای انتخاباتی به سردی آغاز شده است و بسیاری از اصلاح طلبان ترجیح دادند به کناری بنشینند و خود را آلوده آن نکنند، می رود که با تصفیه های گسترده نامزدهای ثبت نام کرده به مراتب سردتر و بی هیجان تر شود. نظام انحصار طلبی که با خودی ناخودی کردن مردم مبنای خود را بر حذف ناخودی ها و دیگران گذاشته است می رود که دایره حذف را باز هم گسترش دهد و بسیاری از خودی ها را نیز مشمول حذف میکند. این خصوصیت سیاست حذف و اشتهای سیری ناپذیر قدرت است که دایره خودی ها را نیز به تدریج تنگ و تنگ تر می کند، و تیغی که به وسیله دست اندرکاران دخیل قدرت صیقل یافته است در نهایت علیه خود آنان به کار می افتد.

ولی ظاهراً داستان به این جا ختم نخواهد شد. مسئله اگر به دعوای بین جناح های نظام حاکم خلاصه می گردید می شد انتظار داشت که طرف غالب تمامی قدرت را به نفع خود مصادره کند و طرف مغلوب را به گوشه ای بنشاند. ولی ظاهراً «انتخاباتی» در کار است، و برای این کار جمهوری اسلامی به یک عامل دیگر هم نیاز دارد: مردم، مردمی که به پای صندوق های رأی بیایند و با حضور خود، آن گونه که حکومت مدعی است، بر پای مشروعیت آن صحنه بگذارند. برای این کار باید هیجان انتخاباتی ایجاد کرد. و این هیجان اگر واقعی نباشد باید هیجان کاذبی را به جای آن نشانند. و این ظاهراً سناریویی است که مقامات حاکم در تدارک رأی گیری ۲۴ اسفند دنبال می کنند. سناریوی احتمالی ممکن است به این ترتیب پیش برود: در مرحله نام نویسی و آن هم در آخرین لحظات بخشی از اصلاح طلبان با تعارف یا بدون تعارف ثبت نام می کنند. پس از آن، گزارش ها و شایعات مربوط به حذف آنان قوت می گیرد. این اخبار و شایعات، تبلیغات انتخاباتی خوبی برای آنان بشمار می رود و در بخشی از مردم نسبت به آنان همدردی ایجاد میکند. سپس شورای نگهبان با تیغی برنده تر وارد عمل می شود و بقیه السیف آنان را نیز مشمول نظارت استصوابی خود می کند. فضای انتخاباتی یک مرتبه ملتهب می شود. داد و فریاد و ادمو کراسیا از سوی اصلاح طلبان حذف شده بلند می شود. «بزرگان

و «ایران برای همه ایرانیان» که تا آن گاه شنیده نشده بود و حکم تابو داشت به میدان آمدند و توانستند آرای بخش بزرگی از جامعه را به خود جلب کنند. ده سال پس از آن، جامعه ایران جهش بزرگی کرده و سطح مطالبات مردم به صورت چشمگیری بالا رفته است. جنبش دانشجویی بند ناف خود را از حاکمیت بریده و به سوی استقلال پیش رفته است. جنبش کارگری به صورت بی سابقه ای رو به رشد است. جنبش زنان با تغییراتی کیفی و به راه انداختن پیکارهایی مانند پیکار یک میلیون امضا طرحی نو در مبارزات حقوق بشری به راه انداخته است. سازمان های غیردولتی، حقوق بشری و مدنی با اعتبار بین المللی در کشور به راه افتاده اند. و اکنون اصلاح طلبان نه فقط شعار و برنامه ای متناسب با این وضعیت موجود ندارند که حتی از ده سال پیش نیز به مراتب عقب تر رفته اند. نه از حقوق بشر سخنی هست و نه از شعار «ایران برای همه ایرانیان»! آیا واقعاً اینان می اندیشند که با چنین برنامه ای می توانند حتی بخشی از آرای از دست رفته خود را بازیابند؟ برنامه انتخاباتی ائتلاف اصلاح طلبان به شدت بوی کهنگی می دهد، و سهم عمده ای در بی رونق کردن بازار انتخابات ایفا خواهد کرد. جنبش اصلاح طلبی وضع رقت باری پیدا کرده است. معقول ترین آنان به بی ثمری اصلاح از درون نظام جمهوری اسلامی پی بردند و راه خود را جدا کردند. برخی دیگر که نتوانستند از شکست های چند سال اخیر سر بلند کنند حالت انفعالی به خود گرفتند، جمعی نیز می دانند که در فضای سیاسی فعلی شانس برای موفقیت ندارند و محترمانه خود را کنار کشیدند. بقیه آنان در «ائتلاف بزرگ اصلاح طلبان» گرد هم آمده اند تا یک بار دیگر شانس خود را بیازمایند. ولی در شرایط سختی گرفتار شده اند. نه در حاکمیت جایی دارند و نه بین مردم محبوبیتی، برنامه ای که نوشته اند نیز ظاهراً مخاطب آن نه مردم و بلکه حاکمیت و شورای نگهبان است تا شاید بپذیرند که این جمع «عاقل» شده و از «تندروی های» پیشین خود دست کشیده است، و بر آنان التفاتی کنند و آنان را از صافی بگذرانند. این استراتژی ممکن است کارآ باشد. ولی حضور اصلاح طلبان به سختی می تواند کمترین هیجانی در رأی گیری ای که در پیش است ایجاد کند.

سرما شدید زمستانی در هفته های آینده از تهران و بیشتر نقاط ایران رخت بر می بندد. ولی هیچ نشانی از شکستن یخ انتخابات تا ۲۴ اسفند آینده در افق دیده نمی شود....

۱. شعار سرلوحه پایگاه ائتلاف اصلاح طلبان:
http://www.baharestan8.com

قوم) از نتیجه کار و اعراض مردم از رفتن پای صندوق های رأی نگران می شوند. در آستانه رأی گیری، عریضه به خدمت رهبر می برند، و رهبر به سیاق انتخابات نهم ریاست جمهوری از مسئولان و شورای نگهبان می خواهد که در تصمیمات خود تجدید نظر کنند. قهقهای شورای نگهبان سمعا و طاعتاً چنین می کنند، و بخشی از اصلاح طلبان حذف شده به صحنه رقابت باز میگردند. هیجان کاذبی ایجاد می شود، اقلیتی از اصلاح طلبان با رأی پایینی به مجلس راه می یابند، و هواداران نشان عدم موفقیت آنان را به پای تحریم کنندگان می نویسند. این ظاهراً محتمل ترین روندی است که رأی گیری ۲۴ اسفند قرار است طی کند. البته از اصلاح طلبان انتظار دیگری نمی توان داشت. آنان خود را در قدرت سهمیم می دانند و از این که رقیب سهم آنان از قدرت را از آنان دریغ می کند سخت معترضند. به اظهارات گنتاری و نوشتاری آنان در این روزها نگاهی بیندازید. همه جا گله و شکایت از کار هیئت های اجرایی و شورای نگهبان در تصفیه نامزدها است. گویی که اشکال کار فقط در این محدوده ها است. هیچ جا به روند نام نویسی و شرایط انحصار طلبانه، ضد دموکراتیک و تضییع کننده حقوق شهروندان در آن مرحله اول اعتراضی دیده نمی شود. نه آقای خاتمی در این باره سخنی دارد و نه قلم زنان پایگاه های متعدد اصلاح طلبان درباره آن حرفی. و البته محدود کردن دایره انتقادها و اعتراض ها به آنچه که پس از مرحله نام نویسی می گذرد و عدم اعتراض به نقض گسترده حقوق شهروندان در آن مرحله، معنایی جز پذیرش و تأیید ضمنی این روند ضد دموکراتیک و ضد مردمی نمی تواند داشته باشد. این گتتمان اصلاح طلبی البته به خود اصلاح طلبان محدود نمی شود و متأسفانه بخشی از فرهنگ سیاسی جامعه ما را نیز به فساد خود آلوده است. یعنی عده کردن تصفیه هایی مانند نظارت استصوابی شورای نگهبان و نادیده گرفتن نقض حقوقی که در مراحل اولیه به کار می رود مختص ادبیات اصلاح طلبان نیست، و در جاهای دیگر نیز کم و بیش دیده می شود.

سلطه گفتمان اصلاح طلبی بر فرهنگ سیاسی اپوزیسیون

دکتر حسین باقرزاده

سه شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۶ - ۲۲ ژانویه ۲۰۰۸

اجرای گرفته تا سازمان های امنیتی سرتاسری یا محلی و سرانجام نظارت استصوابی شورای نگهبان، همچنان بر روی سر آنان سایه انداخته است. سردی فضای حکم بر انتخابات دست کمی از سرمای سختی که این روزها تهران و اکثر نقاط ایران را در خود گرفته بود نداشت. هیجان انتخابات حتی توانست اصلاح طلبانی را که چند سالی در قفرت به سر برده اند و برای رسیدن چنین روزهایی لحظه شماری می کردند به حرکت در آورد. برخی از آنان ثبت نام نکردند، و بسیاری از آنان که ثبت نام کردند نگران آن بودند که نتوانند از صافی های مختلف هیئت های اجرایی و شورای نگهبان بگذرند. ثبت نام کنندگان اصلاح طلب که در یک «ائتلاف بزرگ» گرد آمده اند برنامه انتخاباتی مطولی ارائه دادند که پر از کلی گویی های نامشخص بود و چندان تمایزی بین آنان و رقیبان «اصول گرای» آنان باقی نمی گذاشت. علاوه بر این، برنامه آنان حتی از برنامه ده سال پیش آقای خاتمی و دوره ششم مجلس نیز فرسنگ ها عقب رفته بود. و اکنون پس از گذشت یک هفته از پایان نام نویسی، گزارش های مربوط به تصفیه وسیع اصلاح طلبان از گوشه و کنار به چشم می خورد. ابتدا آقای خاتمی از اخباری حاکی از «محروم کردن بسیاری از نیروهای مؤمن و مجرب و روشن از حضور در عرصه انتخابات» اظهار نگرانی کرد. سپس گزارش های مشخص تری از تصفیه نامزدهای اصلاح طلب به تدریج منتشر شده است. برخی از گزارش ها، از جمله در پایگاه «نوروز» وابسته به اصلاح طلبان حاکی از آن است که علاوه بر بخش عمده ای از اصلاح طلبان، برخی از نامزدهای اصولگرا نیز مشمول تصفیه های هیئت های اجرایی شده اند. و این هنوز اول کار است. آن تعداد هم که از دست تصفیه کنندگان کنونی جان سالم به در ببرند باید منتظر اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان بنشینند تا تکلیف

Better Homes Furnishings & Consignment

Great Furniture at Consignment Prices In the Heart of Los Altos

Selling New & Almost New From Model Homes & Stage Pieces

گلچینی از زیباترین مبلمان

محل خرید اشخاص خوش سلیقه و مشکل پسند.

ما بهترین قیمت و سرویس را در اختیار شما می گذاریم.

There's Always Something New

Come in and Visit Us, We Can't Wait To Serve You!

(650) 947-9400

400 Main Street, Los Altos, CA




Very Unique

انواع اجناس تزئینی


